

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## آیا "بازی بزرگ جدید" در حال شکل‌گیری می‌باشد؟

تشابه اهداف تاکتیکی و تقابل اهداف ستراتیژیک  
تداخل در امر حل و فصل قضایای جاری

نحوه اثرگذاری بر منافع ایالات متحده و فدراتیف روسیه  
چگونگی ورود چین به قضایای کشور ما  
مشارکت در پروسه ایجاد صلح  
منافع مشترک و تفاهم متقابل

در نخست و اول امر، این مسأله قابل یادآوری پنداشته می‌شود که "بازی بزرگ" نامیست که به رقابت‌های سیاسی دوامپراطوری بزرگ بریتانیا و روسیه در آسیای مرکزی داده شده است.

مسابقات سایه‌ها عنوان دیگری است که به رقابت‌های میان این دو ابرقدرت زمان در آسیای مرکزی شامل افغانستان و ایران و سایر امیرنشین‌ها یا خان‌نشین‌های این مناطق داده‌اند. این رقابت‌ها از اوایل سده نوزدهم آغاز و تا سقوط امیرنشین بخارا و پس از آن، تا انقلاب اکتبر روسیه ادامه داشت. این عنوان به گونه غیررسمی، پس از جنگ جهانی دوم و وضعیت پسا استعماری آن در توصیف طرح‌های ژئوپولیتیک ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقوی زمان بمتابه حوزه نفوذ ژئوپولیتیک در مناطق افغانستان و ایران داده شد.

اصطلاح "بازی بزرگ" را به آرتور کانولی نسبت داده‌اند، او بمتابه افسر اطلاعاتی در کمپنی شرق الهند بریتانیا مشغول فعالیت بود.

یادآور باید شد که "بازی بزرگ جدید" در سال‌های پسین دهه ۱۹۹۰ به رقابت‌های کنونی میان کشورهای ایالات متحده، فدراتیف روسیه، چین، ایران، پاکستان، ترکیه و هند بمنظور تأمین درازمدت ضرورت‌های مورد نظر از منابع وسیع نفت و گاز کشورهای متبوع خود از طریق خط لوله سراسری در جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی گفته می‌شود. این اصطلاح در ابتدا توسط احمد رشید روزنامه نگار پاکستانی مطرح گردید و برگرفته از اصطلاح "بازی بزرگ" است که به رقابت‌های میان بریتانیای کبیر و امپراطوری روسیه در سده نوزدهم بمنظور تسلط بر آسیای میانه گفته می‌شد.

اما در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، متذکر باید گردید که چین، بیش از سایر کشورهای موجود منطقه، در صدد آن می‌باشد تا کشور عزیز ما افغانستان را در برنامه "یک راه - یک کمربند" به کریدور توسعه چین و پاکستان وصل نماید. موضوع فوق توسط وزیر امور خارجه چین در نخستین ملاقات تاریخی وزیرای خارجه سه کشور چین، افغانستان و پاکستان اظهار گردید. جمهوری مردم چین، بصورت فعالانه در پی تسلط سیاسی و اقتصادی بر منطقه بوده که چنین وضعیتی، بگفته کارشناسان امور، بنحوی از انحاء منافع ایالات متحده را مورد تهدید قرار می‌دهد. آیا یکن می‌تواند

وقادر بدان می باشد تا امریکایی ها را مجبور به ترک کشور ما نماید و چنین وضعیتی، آیا منافع کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار نمی دهد؟

## دهلیز تأثیر گذار

متذکر باید گردید که نخستین جلسه دیدار و گفتگوی وزرای امور خارجه چین، افغانستان و پاکستان طی ماه دسامبر سال پارد پکن تدویر یافت. طرف های شرکت کننده، طیف وسیعی از مسایل را مورد بحث و مذاقه قرار دادند. از جمله پرطنین ترین اظهارات طی گفتگوهای متذکره به همکاری های اقتصادی اختصاص داده شد. وزیر امور خارجه چین، پس از ختم جلسه متذکره طی مصاحبه ای با نمایندگان وسایل اطلاعات جمعی اظهار داشت که چین و پاکستان کلیه امکانات مساعد و موجود را در عرصه وسعت "دهلیز اقتصادی چین - پاکستان" به افغانستان بکار خواهند بست. در اینمورد، سخن از طرح بزرگترین زیرساخت ها، آنهم به ارزش ۶۲ میلیارد دالر، مورد بحث می باشد که درباره آن طی سال ۲۰۱۵ توافق بعمل آمد. طی برنامه متذکره، قرار است راه آهن و جاده های موثر رو که بخش های جنوبی کشور چین را با بنادر پاکستانی در ساحل بحر هند و درگام نخست با بندرگادر وصل می نماید، اعمار گردد. همچنان وسعت، گسترش و مدرنیزه سازی بندرها و میدان های هوایی، سرمایه گذاری های هنگفتی در زمینه انرژی برق و امتداد لوله های انتقال نفت و گاز در قلمرو اراضی پاکستان نیز شامل این برنامه می باشد.

کشور چین از طریق پاکستان به بحر هند راه یافته و همچنان به شرق نزدیک و اروپا نیز وصل می گردد. از طریق مسیر یادشده، زمینه حمل و نقل کالاهای مورد ضرورت اقتصاد چین و بصورت عمده، دستیابی آن کشور به منابع انرژی تأمین می گردد. مراجع رسمی و حکومتی جمهوری مردم چین چنین می پندارند که دهلیز اقتصادی بمثابة یکی از بخش های کلیدی طرح "یک مسیر، یک کمربند" بوده که باید به سیستم واحدی برای ادغام زیرساخت های اقتصادی اورآسیا مبدل گردد.

بگفته یکی از محققان هندی، افغانستان برای چین از رهگذر بسیاری از موضوعات، از قبیل مسایل امنیتی و رفع و برطرف نمودن تهدیدات تروریستی و بصورت عمده، تحدید و خنثا نمودن تحرکاتی که در منطقه خومختار ایگورها در ایالت سیکیانگ جمهوری مردم چین، در محلی که جدایی طلب ها و بنیادگرایان اسلامی فعال اند، درخور اهمیت تلقی می گردد. علاوه بر آن، پکن علاقمند امنیت و تحفظ طرح های آن کشور با پاکستان نیز می باشد. در نهایت امر، جمهوری مردم چین، گوشه چشمی به منابع سرشار طبیعی کشور ما نیز دارد. بیشتر از آن، شرکت های چینیایی با معامله ای به ارزش ۳،۵ میلیون دالر، برنده مناقصه توسعه معدن مس عینک گردیدند، معدن یادشده در نزدیکی های کابل موقعیت داشته و یکی از بزرگترین معدن های مس جهان محسوب می گردد. پکن همچنان علاقمند استخراج منابع معدنی دیگر از جمله بررسی و مطالعه و بهره برداری از معدن های طلا در کشور ما نیز می باشد. یادآور باید گردید که مطابق سروی و مطالعه متخصص های زمین شناسی، در اراضی کشور ما، عملن ذخایر توسعه نیافته نفت (در حدود ۱،۶ میلیون بیرل) و همچنان در حدود ۱۵،۷ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی وجود دارد.

مقام های مسوؤل در کابل طی سال ۲۰۱۷ رسمن اعلام داشتند که آماده شرکت در طرح "یک مسیر - یک کمربند" یعنی علاقمند سهمگیری در "دهلیز انکشافی چین - پاکستان" می باشند.

بگفته کارشناسان، انگیزه های افغانستان درمورد، واضح و آشکار می باشد. پس از چندین دهه جنگ و برخوردهای مسلحانه در کشور ما، بخش های تولیدی و فعالیت ها در بخش زیرساخت های کشور در وضعیت اسفناکی قرار گرفتند، رهایی و استخلاص از وضعیت رقت بار عقب ماندگی اقتصادی و نجات از فقر گسترده در کشور عزیز ما، در اوضاع و احوال کنونی، صرف با هزینه ها و سرمایه گذاری های کلان و بزرگ خارجی میسر و امکان پذیر می باشد. جمهوری مردم چین در اینمورد، بصورت فعال مبالغی را بدینمنظور در کشور ما هزینه نموده که به گفته بسیاری ها، بزرگترین سرمایه گذاری در اقتصاد کشور ما محسوب می گردد.

در عرصه و بخش خارج از اقتصاد می توان یادآور شد که حقایق و چگونگی وضعیت کنونی نشان دهنده این امر است که جمهوری مردم چین در صد آن می باشد تا در "بازی بزرگ" در منطقه به بازیکن بلند مدت مبدل گردد. "بازی بزرگ"، اصطلاحی که به گونه سنتی بمنظور توصیف وضعیت و چگونگی مقابله ژئوپولیتیک در آسیای میانه

و افغانستان میان روسیه تزاری و امپراتوری بریتانیا طی اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ و پس از آن، تداوم امر متذکره توسط اتحاد شوروی و ایالات متحده، بکار می رود. مطابق نظریات کارشناسان امور، بعوض قدرت های قبلی، کنون این نقش در منطقه بر عهده چین می باشد.

همکاری های متقابل کابل و پکن از محدوده اقتصادی فراتر رفته و شامل عرصه های دیگری نیز می گردد. اما کشور چین کمک های وسیعی را بصورت بلاعوض نیز به افغانستان اختصاص داده است که شامل سالانه معادل صد میلیون دالر می گردد، همچنان در عرصه اعمار منازل رهاشویی و ایجاد و تقویت زیرساخت ها نیز مبالغ هنگفتی را هزینه نموده است.

چین طی سال ۲۰۱۶ برای نخستین بار پیشنهاد ارائه کمک های نظامی و تسلیحاتی به قوای مسلح کشور ما نموده و در زمینه، مذاکراتی میان مسؤولان نظامی دو کشور، در پکن صورت گرفت.

چنانچه به همگان معلوم است، تقویت موضع چین در افغانستان، با منافع کشورهای دیگر در تضاد و مخالفت مستقیم و یا غیر مستقیم قرار ندارد.

در این مقطع نباید فراموش خاطر ما گردد که فیصله و تصمیم اداره ترامپ مبنی بر تقویت نظامیان آن کشور در افغانستان و تداوم حضور نظامی آن کشور، ممکن بخشی از رقابت های آن کشور با جمهوری مردم چین در مورد منابع طبیعی کشور ما باشد.

مطابق اظهارات بسیاری از کارشناسان، ستراتیژی جدید امنیت ملی ایالات متحده، بصورت کل برپاکستان، جمهوری مردم چین و ایران فشارهای مورد نظر را وارد خواهد نمود.

ایالات متحده بصورت قطع مصمم به تداوم حضور بلند مدتش در کشور ما می باشد. منیر اکرم نماینده پیشین پاکستان در سازمان ملل، طی مصاحبه ای با روزنامه "داون" چاپ پاکستان، به این امر معترف گردید که نمی توان بر "طالب" های افغان فایق آمد و همچنان آنها در مذاکرات بمنظور حل و فصل سیاسی قضایای کشور به مشکل حاضر خواهند شد، مگر اینکه فشارها و تأکیداتی در مورد، از جانب قدرت های معلوم الحال بر آنها وارد گردد.

همزمان با ملاقات ها و گفتگوهای وزرای امور خارجه افغانستان، چین و پاکستان، بتاريخ ۲۶ دسامبر سال پار، در اسلام آباد ملاقات و گفتگوهای نماینده های پارلمان های افغانستان، روسیه، ایران، پاکستان، ترکیه و جمهوری مردم چین نیز بمنظور مبارزه علیه تروریسم و تداوم و تحکیم همکاری های مشترک صورت گرفت. بررسی وضعیت و چگونگی شرایط کشور ما در مرکز توجه کار آنها قرار داشت.

پاکستان، ایران و روسیه قبلن مسأله حل و فصل قضایای کشور ما را مورد بررسی قرار دادند، اما اکنون این رویداد با مشارکت طرف چین نیز برگزار می گردد.

مطابق نظریات ارائه شده، رویکردهای کاملن متفاوت شرکت کنندگان گفتگوها در عرصه امنیت و تلاش مشترک برای از میان برداشتن و رفع تهدیدات موجود، به یقین کامل که پس از سپری نمودن راه و مسیر نسبتن دشوار، نتایج دلخواهی ببار آورده و از قوه به فعل مبدل خواهد گردید. ابراز نظرها و اشاره هایی نیز دال بر اینکه در میان شش شرکت کننده در ملاقات ها و گفتگوها (از جمله آنها روسیه، ایران و چین)، بصورت رسمی ایالات متحده را دشمن خطاب نموده و همچنان ترکیه و پاکستان، دو متحد قبلی ایالات متحده نیز بگونه فعالی با روسیه و چین همگام و هم صدا شدند.

با بررسی هایی که از وضع کنونی کشور بعمل آمده، چنین استنباط می گردد که در عرصه همکاری های امنیتی کابل با واشنگتن، موفقیت آنچنانی بدست نیامد، بنابراین رهبری دولت افغانستان در صدد دستیابی به وضع و شرایطی می باشد تا آنها در مجموع، به جستجوی شرکای جدید بمنظور حل و فصل مسایل موجود در عرصه تأمین امنیت موفقیت هایی را نصیب گردیده و با عادی شدن اوضاع، پروسه آغاز و تداوم دیالوگ و گفتگوهای سیاسی در کشور مساعد و مهیا گردد.

ببینید، نظامی های امریکایی در قلمرو اراضی کشور ما اخذ موقعیت نموده و در پایگاههای نظامی آن کشور در سرزمین افغانستان جابجا شده و رحل اقامت افگندند، اما کم نیستند آنهایی که ادعا مینمایند که امر متذکره بصورت موقتی خواهد بود، نمیدانم استدلال آنها بر چه بنیادی استوار می باشد. اما ستراتیژی کشور چین به سال های پیشرو نگاه می نماید. آنها بصورت معنا داری به سده های بعدی می اندیشند.

بگفته بسیاری از کارشناسان، شرکت های امریکایی که افق های نظردور نماهای دید شان بسیار پایین می باشد، به

صورت طبیعی، قادر به رقابت با سرمایه‌گذاری‌های چین در کشور ما نمی‌باشند. بمنظور محافظت و نگهداری طرح‌ها و برنامه‌های کشور چین در قلمرو کشوری که عناصر مختلف و متعدد بنیادگر آوندند و فعال می‌باشند، کشور چین بر همکاری‌های همه‌جانبه کشورهای منطقه حساب باز نموده است.

چین از تجربه تأمین ثبات در پاکستان در عرصه ایجاد و ساخت و ساز تأسیسات زیربنایی "دهلیز اقتصادی چین - پاکستان" برخوردار بوده و از چنین تجربه‌ای در افغانستان نیز می‌تواند بهره‌برد.

اما در این اواخر زمزمه‌هایی در اینمورد که چرا کاخ سفید، کمک‌های میلیارد دلاری به نظامیان پاکستانی را قطع نمود، به گوش می‌رسد. مسأله یادشده به صورت رسمی توسط مقام‌های رسمی در واشنگتن اعلام گردید که ایالات متحده کمک‌هایش در عرصه امنیتی را به پاکستان متوقف می‌سازد. در کاخ سفید چنین پنداشته می‌شود که رهبران پاکستان از انجام اقدامات عملی جدی در امر مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی کوتاه آمده‌اند. بنظر کارشناسان، اتهام فوق فقط به مناسبت برخورد و کارکردهای حاکمان پاکستانی عنوان می‌گردد. نماینده رسمی وزارت امور خارجه ایالات متحده اظهار داشت که کشورش کمک‌ها و معاونت‌هایش در عرصه امنیتی و نظامی به پاکستان را متوقف می‌سازد. نامبرده اظهار داشت که پاکستان باید اقدامات قاطعی در زمینه مبارزه علیه تروریسم انجام دهد. مقام‌های مسؤول در واشنگتن در اینمورد اظهار داشتند که موضوع کاهش کمک‌ها مطرح نبوده، بلکه قطع کمک‌های امنیتی به اردوی پاکستان مورد بحث می‌باشد. وی خاطر نشان ساخته تأکید ورزید که مسأله قطع کمک‌های نظامی به پاکستان، شامل کمک‌های بشر دوستانه برای مردم پاکستان نمی‌گردد. کاخ سفید امیدوار است تا اسلام‌آباد به اقدامات قاطعی در زمینه یادشده متوسل گردیده و به توقف تحرکات تروریست‌ها و بنیادگرها در اراضی و سرزمین متعلق به پاکستان مبادرت ورزد. اتخاذ تصمیم توسط ایالات متحده، از جمله دربرگیرنده انجام کمک‌های مالی به پاکستان نیز می‌باشد که در برنامه‌های سال قبل برای کشور اخیر الذکر پیشبینی گردیده بود.

ناامیدی و عدم اعتماد دونالد ترامپ از آنجا ناشی می‌گردد که نامبرده قبل بر این، انتقادهایی را در زمینه نبود فقدان رویکرد صادقانه پاکستان در امر مبارزه علیه تروریسم مطرح نموده بود. نامبرده همچنان اظهار داشت که واشنگتن بیشتر از این درقبال موجودیت پناهگاه‌های امن تروریست‌ها در قلمرو اراضی پاکستان شامل "طالب"ها و سایر تروریست‌هایی که خطرات و تهدیدهایی را متوجه منطقه و حتا خارج از محدوده آن می‌نماید، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد.

طبق اظهارات ترامپ، در اوضاع و احوال کنونی، مردم و باشندگان پاکستان از چگونگی و نحوه عملکرد تروریست‌ها و بنیادگرها متحمل رنج‌ها و مصیبت‌های فراوانی گردیده‌اند، اما حاکمان پاکستانی، این تروریست‌ها را مورد حمایت قرار داده و آنها را در اراضی کشورشان جاداده و پنهان می‌نمایند.

مطابق اظهارات نطق وزارت امور خارجه ایالات متحده، اقدام فوق شامل انجماد مبالغی نیز می‌گردد که طی سال قبل به اردوی پاکستان پرداخته می‌شد، چنین اقدامی در برگیرنده قطع برنامه معاونت‌های نظامی ایالات متحده به اردوی پاکستان، طی سال روان نیز عملی خواهد گردید.

رئیس جمهور ایالات متحده همچنان اظهار داشت که آنها درقبال پنهان نمودن و درمان نگهداشتن سازمان‌های تروریستی در قلمرو تحت حاکمیت پاکستان مانند قبل، خاموشی اختیار نخواهند نمود.

اعلامیه رئیس جمهوری ایالات متحده، عکس‌العمل‌هایی را چه از جانب مقامات حکومتی پاکستان و چه از جانب باشندگان آن کشور ببار آورد. طی ماه اگست سال روان، در پاکستان نمایشات اعتراضی علیه دولت ایالات متحده و تصمیم اخیر واشنگتن سازماندهی گردید، شرکت‌کننده‌های گرد همایی‌های اینچنینی، موضع کنونی دولت ایالات متحده و موضعگیری و موقف دونالد ترامپ علیه پاکستان را تحریک‌آمیز نامیدند.

همچنان در جریان سفر فرستاده خاص ایالات متحده برای افغانستان، به کشور پاکستان، خاقان عباسی صدراعظم آن کشور، ستراتیژی ایالات متحده برای افغانستان را مورد انتقاد قرار داده و آنرا غیر مؤثر محسوب نمود.

در اینمورد قابل تذکر می‌باشد که دونالد ترامپ در آغازین روزهای سال روان، مجدداً به انتقاد از پاکستان متوسل گردید. بتاريخ اول ماه جنوری سال روان، نامبرده در توپترش از "اشتباه" در امر پرداخت کمک‌ها و معاونت‌های مالی کشورش در طول مدت زمان ۱۵ سال اخیر به اردوی پاکستان یادآور شد. اداره واشنگتن طی مدت زمان ۱۵ سال اخیر، به مبلغ ۳۳ میلیارد دلار بمتابه کمک‌ها و معاونت‌های مالی به پاکستان تحویل داد، در مقابل، موضعگیری آنها

(بگفته ترامپ)، برای امریکایی ها جز دروغ و فریب نبوده و رهبران کشورش را احمق تصور می نمودند، آنها طبق اظهارات دونالد ترامپ، تروریستانی را که در افغانستان به شکار امریکایی ها می پرداختند، در سرزمین شان مخفی و پنهان نموده و در زمینه مورد نظر و در امر مبارزه با تروریزم و بنیادگرایی، هیچگونه معاونتی از جانب آنها اصلن به مشاهده نرسید. نامبرده علاوه نمود که بیشتر از این، چنین وضعیتی هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

در پاسخ، وزارت امور خارجه پاکستان، عدم موفقیت کارکردهای نظامیان ایالات متحده در افغانستان را یادآور شد. نباید فراموش نمود که اقدامات عملی اداره و اشنگتن در زمینه افزایش تعداد نظامیان آن کشور در افغانستان، بگمان اغلب که هیچ دردی را دوا نخواهد نمود، چه یگانه مسیر و وسیله مؤثر بمنظور حل و فصل منازعات کنونی و رسیدن به صلح دایمی در کشور ما، انجام مذاکره و گفتگوهای صلح آمیز میان طرف های درگیر مناقشه کنونی، محسوب می گردد. بر علاوه محدود نمودن کمک های مالی، ایالات متحده، پاکستان را در فهرست کشورهای چون چین، برما، ایران، کوریای شمالی، عربستان سعودی و ترکمنستان قرار داد که به نقض سیستماتیک آزادی های مذهبی مبادرت می ورزند. درباره فاکتورهای مهم در این مورد باید یادآور شد که موجودیت پناهگاههای تروریستان در اراضی پاکستان، برای آن کشور به واقعیت دردناکی مبدل گردیده است. در آغاز سال ۲۰۱۳، کشور نامبرده شاهد اقدامات تروریستی بود که در نتیجه بتعداد بیشتر از ۱۰۰ نفر به هلاکت رسیده و بتعداد ۲۰۰ نفر هم زخم برداشتند. همچنان بزرگترین اقدام تروریستی بتاریخ ۱۸ ماه اکتوبر سال ۲۰۰۷ صورت گرفت که بتعداد ۱۴۳ نفر کشته و بیشتر از ۵۰۰ نفر نیز زخم برداشتند. بگفته بسیاری از ناظران امور، این اقدام تروریستی توسط مخالفان سیاسی حزب مردم پاکستان سازماندهی و اجرا گردیده و سازمان اطلاعاتی پاکستان، مسوؤل درجه یک واقعه یادشده پنداشته شد. همچنان بتاریخ ۲۷ ماه دسامبر سال ۲۰۰۷ با انجام دومین اقدام تروریستی، بینظیر بوتو به قتل رسید.

همچنان در سال ۲۰۱۲، گزارش سری ناتوتحت عنوان "دولت "طالب"ها" در اختیار خبرنگاران بریتانیایی قرار گرفت مطابق مطالب نشر شده از طریق وسایل اطلاعات جمعی، چنین مسایلی نیز به چاپ رسید که سازمان مرکزی استخبارات پاکستان از رهگذر نگهداری، مخفی نگهداشتن و تسلیح و تمویل "طالب"ها در امر مبارزه علیه قوت های نظامی غرب در افغانستان، باید مورد بازپرس قرار گیرد، بگفته آنها، هدف از تقویت و پشتیبانی نیروهای مخالف، ایجاد و تحکیم حاکمیت بنیادگرایی از نوع طالبانی در منطقه می باشد.

پاکستان کشور بیست دشوار و نهایت پیچیده، فاکتورهای متعددی در کشور نامبرده در امر تعیین موقعیت ستراتیژیک پاکستان نقش ایفا می نمایند، بن لادن نیز در نزدیکی های تأسیسات نظامی کشور متذکره مخفی بوده که پس از مدت زمانی توسط کوماندوهای امریکایی به قتل رسید.

همچنان قابل یادآوریست که مرزهای موجود میان دو کشور افغانستان و پاکستان، مرزهای آرام و بی درگیری محسوب نمی گردند. مرزهای متذکره در عمل به علت موجودیت مناطق و محلات دشوار گذار، غیر قابل کنترل می باشد، بدین ترتیب، نظارت از عبور و مرور تروریست ها امر بیست دشوار. نظامیان پاکستانی، سنگ مبارزه با تروریزم به سینه می کوبند، اما در عمل و واقعیت امر، طور دیگری بوده و بگونه کاملن متفاوت و مغایر آن عمل می نمایند که پذیرفتن صداقت حاکمان پاکستانی دشوار بنظر می رسد.

بیستم ماه جنوری سال ۲۰۱۸